بسم الله الرحمن الرحیم

اربعین حسینی آزمون بشریت در بزرگترین تجمع انسانی در کُره ی زمین

عنوان: اربعین حسینی

مشخصات نشر: مشهد: پیام طوس، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۳۲ ص

بهاء: ۲۰۰۰۰ ریال

شابک: ۶-۵۸-۹۹۲۸-۹۶۴-۹۷۸

یادداشت: فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا

یادداشت:کتابنامه: ص. ۳۳

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ — ۶۱ ق. - اربعین

موضوع: زیارتنامه اربعین

رده کنگره: BP ۴۱/۵

نشانه اثر:۴ الف ۲خ/

رده دیویی:۲۹۷/۹۵۳

نام کتاب: اربعین حسینی

تالیف: مرکز معارف تشیع

ناشر: انتشارات پیام طوس

چاپ: چاپخانه بزرگ قرآن کریم خراسان رضوی

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: چاپ اول - ۱۳۹۴

تعداد صفحه: ۳۲ صفحه

شابک: ۶-۵۸-۹۹۲۸-۹۶۴-۹۷۸

بهاء: ۲۰۰۰۰ ریال

فهرست

بسم الله الرّحمن الرّحیم

مقدمه:

اربعین حسینی در کربلا به عنوان بزرگترین تجمع بشریت در کره ی زمین شناخته شده است. عاشقان و دلباختگان سید الشهدا امام ابی عبد الله الحسین علیه‌السلام در اربعین یعنی چهلمین روز شهادت آن بزرگوار با هر وسیله ای که در امکان آنها می باشد خود را به ضریح و بارگاه مطهر آن امام شهید می رسانند. میلیونها نفر با پای پیاده از مکانهای بسیار دور، مسافت ده ها و صدها کیلومتر را طی می کنند و خود را در اربعین به کربلا می رسانند. در هیچ تاریخی از ابتدای خلقت کُره ی زمین تاکنون چنین تجمعی از انسانها پدید نیامده است و آنچه که ما اکنون هر سال در کربلا شاهد آن هستیم یک معجزه ی بزرگ الهی بشمار می آید.

در مکه دو میلیون تا سه میلیون نفر برای انجام مناسک حج تجمع می کنند و با امکانات بسیار زیادی که وجود دارد گاهی می شود که کنترل آنان بسیار سخت می گردد، بیماریهای گوناگون، هوای آلوده، و موارد دیگری که انجام این مناسک را دشوار می سازد.

اما در کربلا تجمع بیش از بیست میلیون نفر که در سالهای آینده پیش بینی بیش از این عدد را نموده اند آن هم با عدم امکانات لازم و عدم تسهیلات برای این سیل مردمی، گزارشی از بیماریهای خطرناک وکشنده و یا عدم وجود مکان یا غذای لازم برای این تعداد بسیار زیاد به چشم نمی خورد.آیا این یک معجزه ی الهی نیست و آیا این یک نشانی از قدرت خدای متعال در نشان دادن کرامت خویش برای بنده ی مخلص و فداکار خود نیست؟

آن بنده ای که هرچه داشت در راه خدا داد و در نتیجه خدا هم او را عزیز انسانها قرار داد و چنین عظمتی که شاهد آن می باشیم را به او عطا فرمود.

فصل اول: چند نکته ی مهم

۱- بی نظیر بودن این تجمع انسانی:

در تمام تاریخ و در تمامی کره ی زمین و از تمامی ادیان و مذاهب شناخته شده هیچ تجمعی و اجتماعی را نمی توان تا این مقدار میلیونی موجود در کربلا مشاهده کرده و یافت نمود.

این اجتماع بزرگ مردمی که با اکثریت شیعیان و نیز دیگر ادیان و مذاهب، هرساله در اربعینِ سید و سالار شهیدان امام ابی عبد الله الحسین علیه السلام بوجود می آید بیانگر عشق و محبت و علاقه ی شدید انسانهای دلباخته به ساحت مقدس حسینی است و این نشانگر روحیه ی توحیدگرای این مردم است که به اکرام آن بنده ی صالح از سوی خدای متعال که برگزیده ی او برای امامت و رهبری جامعه ی انسانی بود احترام گذارده و جان دل سپرده و در این گردهمایی بزرگ شرکت می کنند.

آیا کدامین دین و مذهب می تواند چنین تجمعی را در پیروان خود ببیند؟ کدام نیرویی می تواند انبوه بزرگ انسانها را در مکانی که کمبود

امکانات و خطرهای فراوانی را دارد جمع نماید و یک گردهمایی بی نظیر و بزرگ بر روی کره ی زمین ایجاد نماید؟ و کدامین رهبر می تواند پیروان خود را اینچنین به سوی خود جذب نماید و از آنها در بالاترین حدً ممکن پذیرایی نماید؟

۲-بی نظیر بودن خدمات مردمی:

در مسیرهایی که منتهی به کربلا می شود شاهد پذیراییِ مردم و هیئتهای مذهبیِ مردمی هستیم. دهها و صدها کیلومتر از زائرین بارگاه ملکوتی امام ابی عبد الله الحسین علیه السلام در مسیرهای متعدد در اربعین حسینی پذیرایی می شوند، آن هم پذیرایی که از جان و دل بر می خیزد و پذیرایی کنندگان تمامیِ آنچه را که دارند در طَبَقِ اخلاص گذارده و در سفره ی گسترده و طولانی آقا امام حسین علیه السلام قرار می دهند. و چه زیباست آنچه را که همه ی ما شاهد آن هستیم که پیره زنی با چند استکان چای پذیرایی می کند و آن دیگری آن مقدار خرمایی را که دارد پخش می کند و حتی کودکان و آنانی که مالک هیچ چیز نیستند با دستمالهای کاغذی و یا واکس زدن کفشِ زائرین و یا در اختیار گذاردن موبایل خویش برای تماس و ... پذیرای زائران کربلا هستند.

و آنانی که در امکان و قدرتشان است نیز با سفره های رنگین خود

پذیرای آن زائران می باشند.و این یعنی نمایشِ عشق و دلباختگی به محبوب و آقا و ارباب و امام خود. که در این نمایش هزارها نفر شرکت می کنند و پذیرای میلیونها نفر می شوند.

و این نه تنها ابراز و اظهار عشق به محبوب است بلکه نمایش قدرت شیعه و ظهور یکی بودن و وحدت شیعیان است، وحدتی که آنچنان که در راهپیمایی اربعین می بینیم همه یکی هستند و همه از حق خود به نفع دیگری می گذرند و ایثاری چشمگیر از خود نشان می دهند.منتهای وحدت و از خود گذشتگی را می توا ن در راهپیمایی اربعین یافت، در آن روزهای طلایی که وحدت حقیقی به نمایش گذارده می شود.

اربعینِ کربلا دانشگاهی است که باید در آن درسها آموخت، درس همزیستی درس زندگی درس فداکاری و از خودگذشتگی درس کامل بودن و شدن.

در این راهپیمایی بزرگ و با شکوه میلیونی انسانهای پاک و دلباخته ی آن حضرت می خواهند به دنیا نشان دهند که ای مهدیِ منتظر که درود خدا بر تو باد همه ی ما حاضریم که در خدمت و در رکاب تو باشیم تا گستردن عدالت را بوسیله ی تو شاهد باشیم و در پیاده کردن احکام الهی و قوانین قرآن یار و یاور تو گردیم، ما آماده ایم که از همه چیز خود

بگذریم و با تو و همراه تو بپاخیزیم و سختیها را تحمل کنیم تا حُسینت راضی و شاد گردد. ما از خود و خانه و مال و جانِ خود می گذریم و همه ی آنها را در طَبق اخلاص و در مقابل تو می گذاریم تا تو فداکاری ما را ببینی و بیابی و قدم بر چشمان ما گذاری تا در کنار تو و به دنبال تو، آقا و سرور خویش حسین بن علی علیهما السلام را یار و یاور باشیم و قلب نازنین او را شاد سازیم.

۱- وظیفه ی ما در اربعین:

اربعین و گردهمایی بزرگ آن وظائف سنگینی را بر دوش همه ی ما می گذارد که باید با صبر و بردباری و دقت آنها را انجام دهیم، همگی ما وظائف بسیار زیادی داریم که بعضی از آنها را ذکر می کنیم.

اولین وظیفه ی ما استفاده ی خوب و درست از اربعین و این تجمع بزرگ مردمی است. بر ما واجب است که از این سیل انسانهای پاک و عاشق که با پای پیاده در راهپیمایی بزرگ اربعین شرکت می کنند و تحمل تمامی سختیها و خطرات را می نمایند، استفاده ای را که خدای متعال انتظار آن را دارد بنمائیم که اولین وظیفه ی ما می تواند چنین باشد:

نشر کتابهای دینی و مذهبی به زبانهای مختلف.

شناساندن اصول مذهب تشیع به جوانان.

شناساندن واقعیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام به مردم.

گفتگو و بحث با جوانها در مورد روش بهتر زیستن و اخلاق اسلامی.

بحث در مورد غیبت حضرت مهدی علیه السلام و انتظار فرج ایشان.

بحث و گفتگو در مورد اشکالات و سؤالات فکری جوانان.

و بالاخره بحث و کار فرهنگی در طول یک ماه راهپیمایی از آغاز تا پایان.

دومین وظیفه ی ما کمک و یاری رساندن و خدمت به زائرین و راهپیمایان اربعین حسینی است. از هنگامی که شرکت کنندگان در این تجمع بزرگ بشری آغاز به حرکت می نمایند تا هنگامی که همگیِ آنها به شهرها ی خود باز می گردند باید وسائل سفر و تسهیلات و تدارکات مناسب برای این سیل عظیم انسانی فراهم گردد تا این اجتماع و گردهماییِ بزرگ آسانتر و پربارتر صورت گیرد. در حدیث شریف از امام معصوم نقل شده که می فرماید: آن کسانی که خدمت به زائر می کنند و خود موفق به زیارت نمی شوند اجر و پاداش بیشتر و بالاتری را

دریافت می نمایند.

۲- وظیفه ی حکومتها و دولتها:

این تجمع و گردهمایی بشری که در روزهای قبل از اربعین حسینی و در راهپیمایی بزرگ میلیونی از همه ی نقاط جهان در یک نقطه از کُره ی زمین بوجود می آید شایسته ی تقدیر و احترام از تمامی دولتها و حکومتهای جهان است. تمامی حکومتها با تمام گرایشهای مادی یا مذهبی خود باید این فداکاری و از خودگذشتگی و قدم گذاشتن انسانهای بی ریا و پاک را در سختیها و خطرات موجود به صورت یک ارزش والای انسانی تقدیر و احترام نموده و آن را به رسمیت شناسند و در مقابل آن کُرنش و تعظیم نمایند و تمامی امکانات خود را برای زائرین و علاقمندانِ شرکت در این گردهمایی فراهم کنند.

این روزها باید به عنوان تعطیل عمومی در کشورها شناخته شود و حتی مدارس و حوزه های علمیه و دانشگاهها باید در این زمان تعطیل اعلام گردد تا همه ی انسانهای دلباخته به حسین بن علی علیهما السلام و نه تنها فقط شیعیان در این مراسم و راهپیمایی بزرگ شرکت نمایند.

تمامی تسهیلات اداری لازم برای زائرین در خروج از کشورشان و بازگشت آنها باید جزو قوانین دولتی گردد.

وسایل نقلیه در رفت و آمد زوار أبی عبدالله الحسین علیه السلام در اربعین به عنوان نماد مبارزه با ستمگری و ظلم و نماد مظلومیت باید همکاری لازم و کامل را داشته باشند و در این مراسم دینی و انسانی همکاری نمایند. و به صورت ویژه در کشور عراق، دولت باید موظف باشد و خود را موظف ببیند که مسؤلیت خویش را در برابر این سیل عظیم انسانی به خوبی ایفا کند تا زائرین بتوانند به راحتی در مورد مقرر در این مراسم شرکت کنند و پس از این مراسم به آسانی به شهرها و کشورهای خود بازگردند.

باید بدانیم که رستگاری و سعادت برای کسانی است که به زائرین حسین بن علی علیهما السلام خدمت کنند و خسارت و نابودی برای آنهایی است که از خدمت به آنها سرباز می زنند و مسؤلیت خویش را به خوبی ایفا نمی کنند.

اکنون همه ی خدمات، مردمی است و به وسیله ی هیئتهای مذهبی و عتبات مقدسه ی عراق انجام می پذیرد، و دولتها و حکومتها و مؤسسات آنها در این میان نقش کمی دارند؟ آنان نیز باید پا به پای مردم در این مراسم همکاری و همیاری نموده و به وظیفه ی سنگین خود عمل نمایند، که مهمترین آنها تسهیلات حمل و نقل زائرین در قبل و بعد از این

گردهمایی بزرگ بوده و نیز تسهیلات مرزی و پایین آوردن قیمتهای وسائل نقل هوایی و زمینی برای خدمت رساندن بیشتر به زائرین است. قسمت و سهم بیشتر و اعظم این وظیفه را که همان دادن خدمات غذایی و جا و مکان می باشد را مردم و هیئتهای مذهبی با آغوش باز و سِعه ی صدر و با افتخار انجام می دهند و شایسته و زیبنده ی دولتها و به خصوص دولت عراق است که به وظیفه ی خود عمل نموده و وسائل رفت و آمد زائرین کربلا را در سطح بالا که جوابگوی میلیونها نفری که می خواهند پس از اربعین به شهرهای خود بازگردند باشد[1].

پخش زنده ی فیلم ها و مستندهای این گردهمایی و راهپیمایی و نشان دادن این عظمت به جهان نیز از وظایف دولتها و حکومتها و نیز ماهواره های دولتی و خصوصی است و بسیار شگفت انگیز است که خبرگزاریهای جهانی یا از روی عمد و یا از روی سهل انگاری توجهی به این پدیده ی جهانی بزرگ ندارند، هرچند که بسیاری از ماهواره ها اکنون موفق به این خدمت بزرگ می باشند.

---

[1] - باید توجه داشت که راه های چهارگانه ای که به کربلای معلی می رسد از استانهای بصره و ذی قار و سماوه در جنوب، و استانهای واسط و بابل و میسان، و استانهای نجف و قادسیه و شهرهای نزدیک به کربلا، و نیز از شمال و شمال شرقیِ کربلا که منتهی به بغداد و دیالی و کرکوک و اربیل و نینوی و صلاح الدین و سلیمانیه و دهوک است می باشد.

فصل دوم: نمونه های ایثار در اربعین

۱- در داستانهایی که در باره ی ایثار و فداکاری و روحیه ی شهادت طلبی زائران کربلا در اربعین و یا در روزهای دیگر غیر از اربعین دیده و شنیده می شود موارد بسیاری از صحنه های زیبایی را مشاهده می کنیم، داستانهایی که ما را نیرو می بخشد و به ما درس از خودگذشتگی و خدمت به مردم را می آموزد. درسهایی از شهادت طلبی و شهامت و درسهایی از سخاوت و جود و کَرَم و میهمان نوازی.

دانشگاه اربعین، دانش آموزان و دانشجویان خود را در بُعدهای مختلف تربیت می کند و آنها را با معارف اهل بیت علیهم‌السلام آشنا می سازد، که به نمونه هایی از این درسها می توان اشاره ای کوتاه داشت:

الف- فردی از کشور عراق داستان خود را چنین بیان می نماید:

من با خانواده ی خود در راه زیارت اربعین در سال ۱۴۳۲ هـ ق بودم، پسرم که یازده سال بیش نداشت نیز با من بود، انفجاری مهیب در راه پیاده روانِ اربعین رُخ داد و من بیهوش بر روی زمین افتادم و آنگاه که

به هوش آمدم پیراهنم را خونی یافتم و درد را در تمامی جسمم احساس می کردم و پسرم را دیدم که خون بر روی لباسهایش نشسته بود، من به او نزدیک شدم اما او حرکتی نمی کرد، او را تکان دادم ولی او حسی نداشت و تنفس نمی نمود. من دانستم که او به شهادت رسیده است، نگاهم به مردمی افتاد که بر روی زمین دراز کشیده بودند و فریاد لبیک یا حسین سر می دادند و می گفتند جانهان فدای حسین.

من هم در اینجا می گویم که آری تمامی جانهای ما فدای حسین باشد و من خودم و فرزندم و هرآنچه که دارم را فدای زنده نگاه داشتن شعائر اهل بیت علیهم‌السلام می نمایم و هرآنچه که آن بی خبرانِ از دین و خدا انجام می دهند نمی توانند زائران را از انجام این شعائر باز دارند. من آرزو داشتم که با فرزندم شهید می گشتم.

ب- فرد دیگری نیز داستان خویش را چنین بیان می کند:

من به همراه همسر و سه پسر و یک دخترم از منزلمان خارج شدیم و چیزی در بین راه نخورده و نیاشامیدیم و به پیاده روان پیوستیم ولی در بین راه انفجاری رُخ داد و همسرم بر زمین افتاد، من بدنبال پسرانم می گشتم که ناگهان دیدم که دخترم بر زمین افتاده است به او گفتم حرکت

نکن. پس از مدتی یکی از پسرانم را دیدم که مجروح بود و فریاد می زد برادرم کشته شد، آنگاه که بر سر جسد فرزندم حاضر شدم قسمتهایی ازسر او را نیافتم چون بر اثر انفجار پخش گردیده بود. مادرش از من سؤال نمود که آیا فرزندمان شهید گشته است؟ پاسخ دادم آری. او فریاد کشید و ناله سر داد، ولی من به او گفتم فریاد نکش ما به سوی حسین علیه‌السلام می رویم و او فرزندمان را برای شهادت انتخاب نمود و او در حالیکه آبی نیاشامیده بود شهید گشت. من به دلیل جراحاتی که به ما رسید و به دلیل شهادت فرزندمان که بواسطه ی آن به ما در دنیا درجه و آبرو داد ازخدای خود سپاسگزارم.

ج- فرد دیگری می گوید من در هیئتمان مشغول خدمت بودم که ناگهان به من خبر دادند که پدرم مجروح شده است و در یکی از بیمارستان های کربلا بستری است، ولی وقتی من بر سرِ او رسیدم دیدم که پدرم و برادرم به شهادت رسیده اند. و این در اثر انفجاری بود که در بین راه پیاده روان اربعینی رُخ داد. ولی این حادثه، سربلندی و سرافرازی را برای خانواده ی ما به ارمغان آورد و این حادثه در حالی اتفاق افتاد که ما به سوی بارگاه امام حسین علیه‌السلام در حرکت بودیم و من منتظر آن می

مانم که سال دیگر به به پدر و برادرم مُلحق شوم و به شهادت برسم[1].

۲- اما آن دسته که از جان و دل خدمت می نمایند و زوار امام حسین علیه‌السلام را اکرام و میهمان سفره ها و خدمات خود می نمایند بسیارند. آنان از مسافتهای بسیار دور در راه زائرین کربلا قرار می گیرند و آنچه را که دارند با روی و آغوش باز در اختیار زوار قرار می دهند. که نمونه ی بسیار کم آن از این قرار است:

الف- شخصی را دیدیم که منزل مسکونی خویش را فروخته بود تا با پول آن،غذا و تسهیلات در اختیار زوار قرار دهد و آنگاه که از او سؤال نمودیم او گفت که این کار هرسال من است و پس از اتمام هر زیارت، خود امام حسین علیه‌السلام به من خانه ای مرحمت می کنند.

ب- افرادی را مشاهده کردیم که از مکانهای دور به کربلا می آیند و با یخچالهای سیار، ماهی و گوشت و ... با خود می آورند تا در اختیار زائرین قرار دهند، و خود و خانواده و اقوام خود خدمت به زائرین می کنند. و حتی کودکانی را مشاهده می کنیم که با در اختیار گذاردن دستمال کاغذی به زائرین خدمت می کنند.

---

[1] - الکفیل : سایت عتبه مقدسه ابالفضل العباس علیه السلام.

ج- انسان با تعجب فراوان با افرادی برخورد می نماید که بعضی از آنها با تلفن خود به زائرین خدمت رسانی می نمایند و بعضی دیگر با ماساژ دادن پای زائرین و برخی دیگر با دادن خرما و توزیع چای و آب و ... و نیز برخی دیگر هم با غذاهای رنگارنگ، سفره ی ابی عبدالله علیه‌السلام را رنگین می نمایند و پذیرای زائرین عاشق آن امام می گردند.

ح- از طرف دیگر افرادی را می بینیم که با ویلچر و چرخ دستی و یا با عصا و یا با کشیدن خویش بر روی زمین خود را با راهپیمایان اربعینی همراه می سازند و به سمت کربلا و حرم سرور و سالار شهیدان با سرعت در حرکتند.

خ-کودکانی را مشاهده می کنیم که با پای پیاده کیلومترها از مسیرهای بسیار دور همراه با پدر و مادر خود در اربعین را ه می پیمایند و خود را به کربلا می رسانند.

د- و بالاخره انسانهای عاشقی را می بینیم که از هیچ چیز و هیچ کس هراسی ندارند و با تمام تهدیدهای موجود در آن مناطق به این راهپیمایی بزرگ می پیوندند و به هر صورتی که شده است با زحمت بسیار خود را به کربلای حسینی می رسانند.

فصل سوم: اربعین از دیدگاه احادیث

۱- حدیث فضیلت زیارت اربعین:

در حدیثی از امام حسن عسکری علیه‌السلام روایت شده که فرمود علامت مؤمن پنج چیز است:

- پنجاه و یک رکعت نماز در هر شبانه روز (هفده رکعت نماز واجب و بقیه نافله و مستحب).
- انگشتر به دست راست نمودن.
- پیشانی بر خاک مالیدن (سجده بر خاک).
- بلند گفتن "بسم الله الرّحمن الرّحیم" در نماز.
- زیارت اربعین[۱].

در این حدیث شریف، زیارت اربعین به عنوان یکی از علائم و نشانه های فرد مؤمن برشمرده شده است. در زیارت اربعین که متن آن را شیخ طوسی به نقل از امام صادق علیه‌السلام آورده است[۲] جملات و کلمات بسیار با ارزش و زیبایی بکار برده شده است که در بعضی از قسمتهای آن هدف والای آقا امام حسین علیه‌السلام را معرفی می نماید، آنجا که می

---

[۱] - المزار : ۳۵ و تهذیب الاحکام طوسی :۶ : ۵۲

[۲] - مصباح المتهجد : ۷۸۸ و تهذیب الاحکام : ۶ : ۱۱۳

فرماید:

"و بَذَلَ مُهجته فيك لِيستنقذ عبادك من الجهالة و حيرة الجهالة"

(و امام حسین علیه السلام جان خویش را در راه تو فدا نمود تا بندگانت را ازجهالت و سرگردانی گمراهی نجات دهد).

و این هدف مقدس، یعنی تبلیغ دین و آکاهی دادن به بندگان خدا باید سرلوحه ی زندگی ما باشد.

اصولاً زیارت اربعین در برگیرنده ی مفاهیم تمامی زیارتهایی است که در باره ی سیدالشهدا علیه السلام از معصومین علیهم السلام به ما رسیده است. واژه های این زیارت بسیار دقیق و پر معنی است که در ابتدا اقرار و شهادت مؤمنین و مؤمنات در به ارث بردن آقا امام حسین علیه السلام از داشته های انبیاء را بیان می دارد و در نهایت شهادت آنان را در ایمان و باور به تمامی اهل بیت و حضرت امام حسین علیهم السلام بیان می دارد و اینکه این ایمان بصورت انتظار در غیبت ولیّ خدا می باشد تا پروردگار اذن و رُخصت ظهور ولیّ خود را صادر نماید، و اقرار و اعتراف به تولی و تبری یعنی دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا که از اصول مهم عقائدی است را بیان می دارد. پس این زیارت به این دلیل نشانه ی ایمان مؤمنین گردیده است که شامل و در بردارنده ی بسیاری از اصول

اعتقادی تشیع است. و چه خوب است که انسان بمانند زیارت عاشورا هر روز این زیارت را بخواند و بر آن استمرار و مداومت داشته باشد.

۲- ثواب مشی و پیاده رفتن به زیارت امام حسین عليه السلام :

الف- از حسین بن علي بن ثویر بن أبي فاخته از حضرت صادق عليه السلام چنین روایت گشته است که حضرت به او فرمودند:

"یا حسین من خرج من منزله یرید زیارة الحسین بن علي بن أبي طالب عليهما السلام ان کان ماشیاً کتب الله له بکلّ خطوة حسنة، و حطّ بها عنه سیئة، و ان کان راکباً کتب الله له بکلّ حافر حسنة و حطّ عنه بها سیئة حتی اذا أراد الانصراف أتاه ملکٌ فقال له: أنا رسول الله، ربك یقرئك السلام و یقول لك استأنف فقد غفر لك ما مضی"[1].

(هر آنکس که از منزلش خارج شود و اراده ی زیارت حسین بن علی بن ابی طالب عليهما السلام را نماید، اگر پیاده قصد زیارت کرده باشد خدای متعال برای هر قدمی که بر می دارد یک ثواب برای او می نویسد و یک گناه از نامه ی عمل او پاک می کند، و اگر سواره (با وسایل نقلیه) قصد

[1] - وسائل الشیعۀ : ۱۰ : کتاب الحج : استحباب المشی الی زیارۀ الحسین عليه السلام .

زیارت کرده باشد خدای متعال برای هر حرکتی که آن وسیله انجام می دهد یک ثواب برای او می نویسد و یک گناه نیز از نامه ی عمل او محو می کند و هنگامی که بخواهد برگردد ملکی نزد او آید و به او گوید من فرستاده ی خدا هستم، خدایت تو را سلام می رساند و به تو می گوید: عملت را دوباره شروع کن چون گناهان گذشته ات بخشیده گردید).

ب- راوی نقل می کند: دخلتُ علی أبي عبدالله عليه السلام في غرفة له فسمعته یقول:

"مَن أتی قبر الحسین ماشیاً کتب الله له بکلّ خطوة و بکلّ قدم یرفعها و یضعها عتق رقبة من ولد اسماعیل (الحدیث)"[1].

(راوی نقل میکند که بر حضرت صادق عليه السلام وارد شدم در حالی که ایشان در اتاق نشسته بودند سپس شنیدم که ایشان می فرمود: هر آنکس که به سوی قبر حضرت امام حسین عليه السلام در حالی که پیاده باشد برود، خدای متعال برای هر قدمی که بر می دارد و می گذارد ثواب آزادی یک بنده از فرزندان اسماعیل را به او می دهد).

[1] - وسائل الشیعة : ۱۰ : باب استحباب المشی الی زیارة الحسین عليه السلام .

ج- از حضرت صادق روایت شده که فرمود: **"مَن أتی قبر الحسین علیه السلام ماشیاً کتب الله له بکلّ خطوة ألف حسنة و محی عنه ألف سیئة و رفع له ألف درجة"** (الحدیث)[1].

(راوی می گوید که از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر آنکس که قصد زیارت حسین علیه السلام را پیاده بنماید، خدای متعال در نامه ی عمل او هزار حسنه و ثواب می نویسد و هزار گناه را از نامه ی عمل او پاک می نماید و هزار درجه بر درجات او می افزاید).

---

[1] - وسائل الشیعة : ۱۰ : باب استحباب المشی الی زیارة الحسین علیه السلام .

فصل چهارم: اربعین حسینی چرا اربعین شد؟

هرچند که بین علماء اختلاف است که آیا اهل بیت علیهم‌السلام پس از اسارت از شام در روز اربعین به کربلا رسیده اند یا خیر ولی بنابر گفتار صحیح و دقیق، آنان پس از برده شدن به شام به خواست الهی موفق به بازگشت به کربلا و مصادف شدن این بازگشت با اربعینِ سید و سالار شهیدان حسین بن علی علیهما‌السلام بوده است، و بسیاری از علمای بزرگ شیعه و حتی مخالفین بر این باور بوده اند.

دلائل بازگشت اهل بیت علیهم‌السلام در اربعین به کربلا:

- دفن سر مطهر امام حسین علیه‌السلام در کربلا در روز اربعین و چهل روز پس از شهادت آن امام بوده است و هیچکس از علماء قائل نشده اند و نگفته اند که غیر از امام سجاد علیه‌السلام آن سر مطهر را به بدن آقا امام حسین علیه‌السلام متصل کرده باشد و آن را دفن نموده باشد.
- شیخ مفید و دیگران فرستادن سرهای مطهر توسط ابن زیاد از کوفه به شام را روز دوازدهم یا سیزدهم محرم می دانند و روز چهاردهم یا پانزدهم محرم را روز فرستادن اهل بیت علیهم‌السلام از کوفه به شام می دانند که کاروان اهل بیت علیهم‌السلام به کسانی که سرهای مطهر را حمل می کردند رسیده و باهم در روز اول صفر ۶۱ هـ ق یعنی بیست روز پس از شهادت أبی عبدالله علیه‌السلام وارد شام شده اند.
- شهادت حضرت رقیه علیها‌السلام دختر خردسال آقا امام حسین علیه‌السلام در روز ۵ صفر بوده است و مورخین در این تاریخ اختلافی ندارند و بنابراین اهل بیت علیهم‌السلام در این تاریخ در شام بوده اند.
- بنابر نقلهای تاریخی صحیح مدت اقامت اهل بیت علیهم‌السلام در شام هشت یا ده روز بوده است و گفتار آنانی که ادعای اقامت یک

ماهه ی اهل بیت علیهم‌السلام را در شام نموده اند نمی تواند صحیح باشد.

- آگاه شدن مردم شام از حقیقت و فهمیدن آنها که کشته شده گان در کربلا فرزندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده اند و اُسرا خاندان رسالت هستند و برگشتن اوضاع بر علیه یزید و متزلزل شدن سلطنت او که یزید را مجبور نمود که دستور دهد اُسرا و اهل بیت علیهم‌السلام را با سرعت از شام خارج کنند و آنها را به مدینه ببرند، و این در هشتم یا دهم صفر بوده است.
- اهل بیت علیهم‌السلام از دهم صفر تا بیستم صفر آنگاه که یزید مجبور شد به اهل بیت اجازه دهد به مدینه روند، ده روز فرصت داشته اند که از شام به کربلا برسند و مسافت حدود ۱۰۰۰ کیلومتری بین شام و کربلا را طی کنند و این مسافت در ده روز آن هم سواره دشوار نمی باشد.

پس نتیجه می گیریم که اهمیت روز اربعین امام حسین علیه‌السلام و ورود زیارت مخصوصه در این روز که روز چهلم شهادت أبی عبدالله الحسین بوده است بدون دلیل نبوده است و لااقل دو دلیل مهم را برای آن می

توان بیان نمود:

۱- دفن سرهای مطهر در آنروز یعنی روز اربعین.

۲- ورود اهل بیت علیهم‌السلام به کربلا در آنروز.

نتیجه و یک مسئله ی مهم:

آنچه که نتیجه می گردد این است که اهل بیت علیهم السلام به زیارت امام حسین علیه السلام و پیاده رفتن به آن زیارت و نیز به اربعین حسینی اهمیتِ بسیار داده اند و آنرا یک امر بزرگ دانسته اند و از آن به آسانی عبور نکرده اند.

و دلیل آن اولاً بزرگداشت شهادت سرور و سالار شهیدان أبی عبدالله الحسین علیه السلام است و ثانیاً بوجود آمدن یک یاد ماندگار در قلبها و دلهای مؤمنین و مسلمانان که واقعه ی عاشورا را همیشه در دلها به یادگار داشته باشند و این نور همیشه بین آنان بدرخشد و زنده بماند. و این با همت و تلاش شیعیان و انسانهای عاشق ابی عبدالله علیه السلام امکان پذیر است که باید هرچه بیشتر و هرچه قوی تر این روز را گرامی داشت و تجلیل نمود و آن را بهتر و زیباتر برگزار نمود.

و مسئله ی مهمی که باید به آن توجه داشت و آن را رعایت نمود این است که همه ی ما و مُحبین و دوستداران اهل بیت و آقا امام حسین علیهم السلام باید از حزب گرایی و فرقه گرایی در راهپیمایی بزرگ اربعین دوری نماییم و هیچ گرایشی غیر از سیدالشهدا علیه السلام نداشته و نامی غیر از او را

ظهور نداده و اظهار نکنیم و تنها نام **حسین** علیه‌السلام را برافراشته کنیم و اربعین را برای آقا امام حسین علیه‌السلام بگذاریم و با تبلیغات شخصی آن را آلوده نسازیم.

همه در کنار هم و پا به پای هم در زیر پرچم امام حسین علیه‌السلام در مسیر حسینی اربعین شرکت نماییم، و هدف همه در این تجمع باید مواسات با اهل بیت علیهم‌السلام و اُسرای کربلا باشد که با پای پیاده کیلومترها در زمین غیر مناسب و صحرای خشک مجبور به طی نمودن مسافتهای زیادی بودند، شاید که اندکی اجر و ثواب توشه ی آخرت خویش نماییم.



زيارة الأربعين

اَلسَّلامُ عَلی وَلِيِّ اللهِّ وَ حَبيبِهِ اَلسَّلامُ عَلی خَليلِ اللهِّ وَ نَجيبِهِ اَلسَّلامُ عَلی صَفِیِّ اللهِّ وَابْنِ صَفِيّهِ اَلسَّلامُ عَلَی الْحُسَينِ الْمَظْلُومِ الشَّهيد اَلسَّلامُ علی أَسيرِ الْكُرُباتِ وَ قَتيلِ الْعَبَراتِ اَللّهُمَّ اِنّي أَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ وَ صَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيكَ الْفائِزُ بِكَرامَتِكَ أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ وَ حَبَوْتَهُ بِالسَّعادَةِ وَاَجْتَبَيْتَهُ بِطِيبِ الْوِلادَةِ وَ جَعَلْتَهُ سَيِّداً مِنَ السّادَةِ وَ قآئِداً مِنَ الْقادَةِ وَ ذآئِداً مِنْ الْذادَةِ وَاَعْطَيتَهُ مَواريثَ اْلأنبياءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلی خَلْقِكَ مِنَ اْلأَوْصِياءِ فَأَعْذَرَ في الدُّعآءِ وَ مَنَحَ النُّصْحَ وَ بَذَلَ مُهْجَتَهُ فيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبادَكَ مِنَ الْجَهالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلالَةِ وَ قَدْ تَوازَرَ عَلَيهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيا وَ باعَ حَظَّهُ

بِالْأَرْذَلِ الْأَدْنى وَ شَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَ تَغَطْرَسَ وَ تَرَدّى فِي هَواهُ وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ وَ أَطاعَ مِنْ عِبادِكَ أَهْلَ الشِّقاقِ وَالنِّفاقِ وَ حَمَلَةَ الْأَوْزارِ الْمُسْتَوْجِبينَ النّارَ فَجاهَدَهُمْ فيكَ صابِراً مُحْتَسِباً حَتّى سُفِكَ في طاعَتِكَ دَمُهُ وَاسْتُبيحَ حَريمُهُ اَللّهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْناً وَبيلاً وَ عَذِّبْهُمْ عَذاباً أَليماً اَلسَّلامُ عَلَيكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِياءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمينُ اللهِ وَابْنُ أَمينِهِ عِشْتَ سَعيداً وَ مَضَيْتَ حَميداً وَ مُتَّ فَقيداً مَظْلُوماً شَهيداً وَ أَشْهَدُ اَنَّ اللهَ مُنْجِزٌ ما وَعَدَكَ وَ مُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَ مُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ وَ أَشْهَدُ اَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِاللهِ وَ جاهَدْتَ في سَبيلِهِ حَتّى أَتاكَ الْيَقينُ فَلَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ اَللّهُمَّ اِنّي اُشْهِدُكَ اَنّي وَلِيٌّ لِمَنْ والاهُ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عاداهُ بِأَبي أَنْتَ وَ اُمّي يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ

أَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُوراً في ٱلأَصْلابِ الشّامِخَةِ وَٱلأَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجاهِلِيةُ بِأَنْجاسِها وَ لَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهِمّاتُ مِنْ ثِيابِها وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعائِمِ الدّينِ وَ أَرْكانِ الْمُسْلِمينَ وَ مَعْقِلِ الْمُؤْمِنينَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ ٱلامامُ الْبَرُّ التَّقِىُّ الرَّضِىُّ الزَّكِىُّ الْهادِي الْمَهْدِىُّ وَ أَشْهَدُ اَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوى وَ أَعْلامُ الْهُدى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقى وَالْحُجَّةُ عَلى أَهْلِ الدُّنْيا وَ أَشْهَدُ اَنّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإيابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرائِعِ ديني وَ خَواتيمِ عَمَلي وَ قَلْبي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَ أَمْرى لأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّى يَأْذَنَ اللهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَواتُ اللهِ عَلَيكُمْ وَ على أَرْواحِكُمْ وَ أَجْسادِكُمْ وَ شاهِدِكُمْ وغائِبِكُمْ وَ ظاهِرِكُمْ وَ باطِنِكُمْ آمينَ رَبَّ الْعالَمِين .